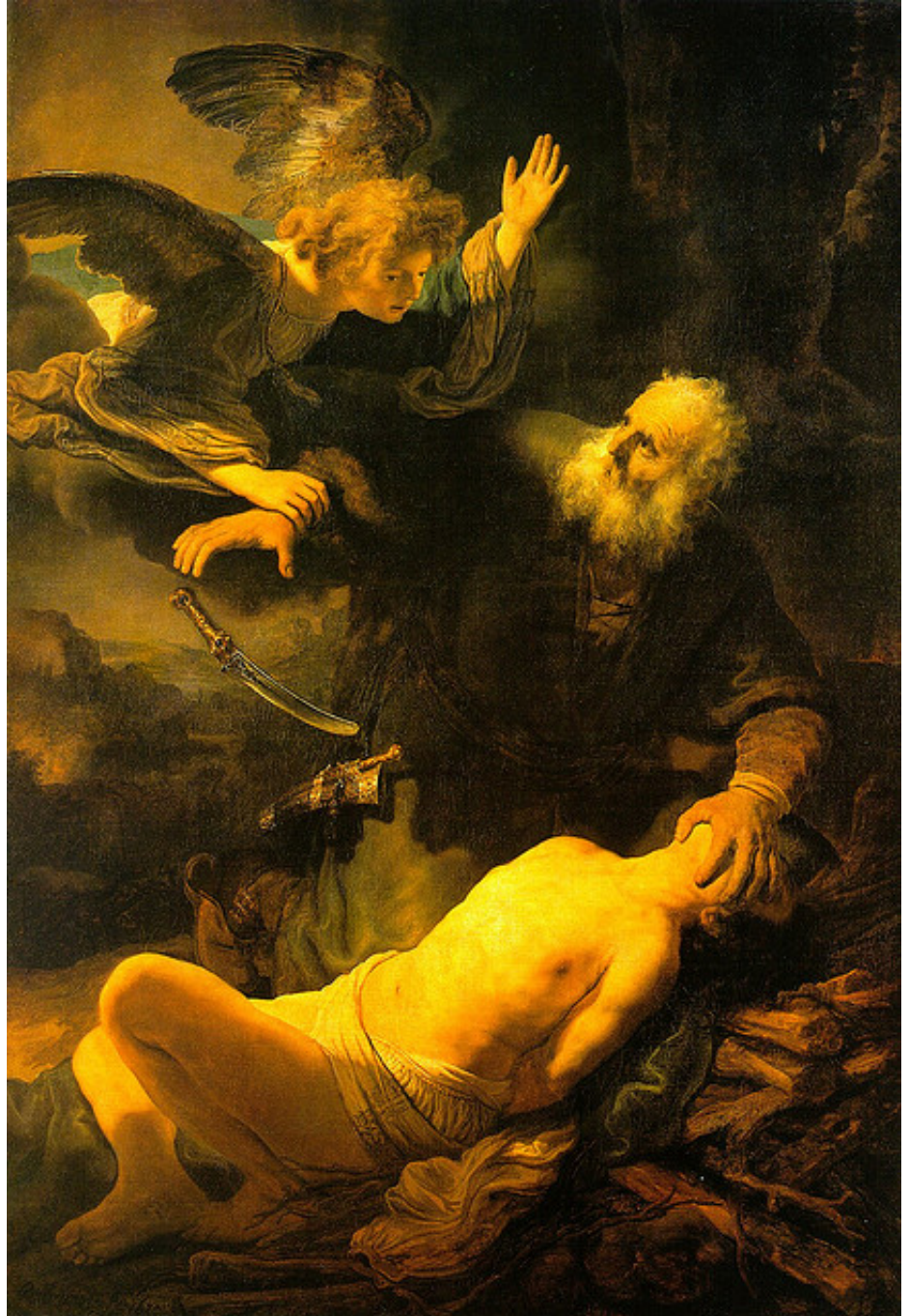


آزادی بیان از دیدگاه مذهب ابراهیمی

خیلی وقاتها اسلام، مسیحیت و یهودیت به محدود کردن آزادی بیان متهم شده اند. دامینیک بوربریچ به یک دید متفاوت از بطن رشته افکار پیمان ابراهیمی اشاره می کند. تصادم مهیج جهانی در مورد آزادی بیان اکثراً آزادی استحکامات روشنفکر را در برابر میزان حساسیت دین به رقابت وا داشته است. چه در اعتراضات احاطه شده در مقابل فیلم بی گناهی مسلمانان در یوتوب یا واکنش های جری سپرینقر: اپرا، پیروان مذهبی به عنوان معارض آزادی بیان و طرفدار قانون محدود شده و یا یک نوع حکومت روحانیون جلوه داده شده اند. براستی نادر است که هیچگونه تحلیلی در مورد ادیان که در مورد آزادی بیان چه فکر می کنند و یا اینکه چه نکته مثبتی را به این بحث اعانه داده اند، ثبت نشده است. این مقاله نظریه آزادی بیان از دیدگاه ادیان ابراهیمی مانند اسلام، مسیحیت و یهودیت را ارائه میدهد. از زادگان دین ابراهیم، مسئله آزادی بیان به این نشان گذاشته شده است که به چه چیز توجه باید کرد و نه اینکه چه میشود یا نمی شود گفت.



تناخ، انجیل و قرآن شرح علت تعلیم الهی هستند، ثبت شده کسانی که بهشان الهام شد تا محتوی آنها را بشنوند، متوجه شوند و تعریف کنند. مثلاً، حضرت محمد (ع) به کلام الهی که به واسطه جبرائیل امر شد، گوش داد. در مقابل، معتقدان هدف توسعه گنجایش گوش دادن را دارند که از طریقی باعث فهم کلام الهی می شود که به این دلیل، بیان در قالب اصطلاح حقوق بشر نیست بلکه اصطلاح در ظرفیت الهی می باشد. یک نمونه که چرا بیان صفت خاص الهی را دارد، این است که مسیحی پروتستان یوحنا مقدس چنین می گوید: در ابتدا کلام بود، کلام با خدا بود و خدا کلام بود.

همانطور که در زندگی حضرت ابراهیم دیده می شود، وظیفه معتقد این است که به پیغام الهی نزدیک شود و ظرفیت درک خود را

توسعه دهد، متوجه شود و بکار ببرد. زمانی این ایستایش با افکار روشنفکر و ترقی خواه انقضال پیدا می کند که پیمان ابراهیمی معیشت معتقدان را در بنیاد استطاعت گوش دادن جلوه می دهد. فیلسوف السدر مکلینتایر در کتاب خود عدالت که؟ در کدام عقلانیت، به این مشاهده می کند که این یک قضیه ای است در مورد عمق درک بواسطه معاش یک عقیده در حالیکه لحاظ دید یک روشنفکر در میان روایت متداول واقع شده است.

چه از برخواندن از سیدور در یک کنیسا، یا زانو زدن یک راهب کرثوزیان در سکوت و یا به سمت مکه پیشانی گذاشتن بر زمین، هر کدام یک تعهد ویژه در قوی کردن قوه درک و دلیل نزدیک شدن به کمال الهی می باشد.

در این راه برزش یک دین ابراهیمی، رقابتی بین دلیل اندیشه و منطق فتوی نمی اندازد، بلکه طرز روش زندگی روشنفکرانه مبنی بر انتخاب، مصرف و فردگرایی. معتقدان دین ابراهیمی به این شک دارند که اولویت دادن به آرزوهای مالی حمایت از پیگرد حقیقت میکند. در این راه، پیروی از اعتقادات گرفتار تعهدی است که واقعیت خارج از اشتیاق شخصی است و این اشتیاق ها از طریق مناسب کردن توجه تسلط پیدا می کنند. با جذب تفسیر متعال خود، بهتر خود و دور اطراف خود را درک خواهیم کرد.

بحث آزادی بیان در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی خواستار این است که افراد عقاید خود را تحت تسلط به مباحثه مستدل بگذارند. این در ادیان ابراهیمی نه از طریق تفکیک معتقد بلکه از اعتقاد که نهادی از فردگرایی وافر می باشد (ابراز شده در بحث آزادی بیان ماده قانون ۷) حمایت شده است. برای معتقدان ادیان ابراهیمی، اعتقادات مطیع سنجش منطقی هستند (منسجم کامل) که به آن خاطر از یک سیستم اندیشه متفاوت که قابل نمایش یک یگانگی مهم که ارتباط و وسعت نظر استعمال است، تکذیب شده اند. شاید هیچ جا این بیشتر آشکار نباشد تا در نوشته های محقق یهودی یا کوب نویسنر، شخصی که یک گفتگوی آشکار و عمیق با مسیحیت در کتاب خود یک خاخام با مسیح صحبت می کند. بعد از گذراندن یک بحث خیالی، یک روز نویسنر به یک خاخام در شهر دیگری مراجعه می کند و وی می پرسد که مسیح به نویسنر چه گفت و جواب این بود که آنچه در تلمود نوشته شده با این فرق می کند:

خاخام: مسیح چه چیزی را جا گذاشته بود؟

نویسنر: هیچ چیز

خاخام: چه چیزی را اضافه کرد؟

نویسنر: خود را

در اینجا استدلال به این معنا است که مباحثه منطقی بین سنتها با حمله کردن به دیگری به عنوان غیر منطقی نیست بلکه نشان دادن وابستگی عظیمی در مقام دیگری است. با اینکه نویسنر حضرت عیسی را به عنوان مسیح قبول ندارد، شرح نویسنر برای پاپ اعظم بندیکت XVI جالب و تهییج کننده است. این همانند استیناف اسلام به مسیحیت است. حضرت محمد (ع) آخرین پیامبر است و اسلام کامل ترین دین است. عقیده ابراهیمی در مورد آزادی بیان متعهد کردن سنت تفکری اصولی است، به این روش که یک شخص به شرح استوار و موزون می رسد. حقیقت این است که خیلی ها در سنت ابراهیمی خود را به گروه های مختلف تقسیم کرده اند و این نشان می دهد که مذاکرات داخلی چه جنباننده است. این گونه بحثها پیگرد یک افکار معنوی که کاربست پذیر و منسجم در هر مرحله هستند و به خاطر همین مقداری با پیرو فلسفه منفی شناخت شناسی رنی دزکات و دیوید هوم فرق دارند. این دو روشنفکری را قبول دارند و واقع بینی معنوی را که در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی دیده می شود را تأیید می کنند. در حالیکه سنت روشن فکری جدایی اعتقاد از معتقد را یک پیشرفت می بیند، این برای ادیان ابراهیمی حمله به مقدسات تفسیر می شود.

به همین دلیل برای معتقدان ابراهیمی شنیدن این استدلال سخت است: چطور می توانی بگویی که از آن فیلم یا کتاب که دین تو را مسخره کرده خوشنود نیستی در حالیکه آن را ندیده ای؟ آن معتقد متمرکز به رابطه خود با خداست و حس شنوایی خود را که قدرت

الهی خوب است و واحد واقعیت وفق دهنده است را، توسعه می دهد. مصالح آشکار کفر آمیز و هزلی به معنای قدرت الهی همانند عروسک خیمه شب بازی می باشد. دست انداختن تلاش هایی که فاقد از پیشنهاد متناوبی برای پی بردن به آن برای رسیدن به واقعیت است.

تنها معادل این خواهد بود که از یک فرد آزادی خواه سؤال باید کرد: چطور می توانی بگویی که مخالف سواستفاده از حقوق بشر هستی وقتی هیچ سواستفاده ای از حقوق بشر مرتکب نشده است؟ همانطور که یک آزادی خواه احتیاج به این ندارد که به فیلمهای خارج از اخلاق کودکان نگاه کند تا بداند که از نظر اخلاقی اشتباه است. یک پیرو دین ابراهیمی نیز احتیاج به دیدن حرکت ناپسندی از حضرت محمد (ع) ندارد تا بداند که بی گناهی مسلمانان (فیلمی اسلام ستیزانه) از نظر اخلاقی اشتباه است. استدلال آزادی خواه برای آزادی بیان، انتظار یک معاوضه آزاد از افکاری که غیر منطقی بودن در دیگر سلسله افکاری را افشا می کند، دارد. آنچه که یک معتقد ابراهیمی با آن مخالفت می کند این نیست بلکه روش افشا کردن غیر منطقی بودن است. یک وضع نسبت گرای اخلاقی که از طریق افکار سنتی بطور کلی به شکل تلقین برای صلاحیت اشخاص برای برهان آوردن، نپذیرفته شده است.

ادیان ابراهیمی ضرب المثل یا نقل قولهای آماده تامین نمی کنند که در استدلال آزادی جا داده شود تا کمتر آزادی خواه یا واقع در محور غربی به نظر بیاید. اگر چه، آنها به نظر خودشان یک تفسیر بنیانی از نفوذ بیان به سبک ذکر عمده در روشهای که خدا خود را فاش می کند، تأمین می کنند. به دلیل اینکه معتقدان اعتقاد دارند که خدا صحبت کرده، فقط آنها باید خوب توجه کنند و گوش دهند، یک جنبه آزادی بیان که اکثراً وقتی که به قوانین که چه می شود گفت یا خیر متمرکز می شوند، از آن چشم پوشیده می شود. برای هر مدافع آزادی بیان مفید است که متمرکز به تفکیک بین معتقد و اعتقاد باشد، و این استدلال آزادی خواه را بیشتر و نه کمتر برای یک معتقد دین ابراهیمی که اعتقاد را یک خاصیت فردی نمی بیند بلکه متعلق به واقعیت، سخت کند.

:منتشر شده در فوریه 25, 2013